

به نام خدا

مدت امتحان:

تاریخ:

پایه:

آزمون:

نام و نام خانوادگی:

معنی کلمات زیر را بنویسید.

خَمْ كمند:

خان:

چاک چاک:

بنداخت:

مَلِك:

هلاک:

صواب:

تعالی:

ربیع:

شکوه:

معنی ابیات و جملات زیر را بنویسید.

هر گل و برگی که هست، یاد خدا می کند

بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار

فروریخت چون رود، خون از بَرَش

بَرَش

آفریدگار را بباید پرستیدن و بر نعمت او سپاس داری باید کردن.

با توجه به درس معرفت آفریدگار، برداشت شما از «برگ درختان سبز در نظر هوشیار هرورقش دفتریست معرفت کردگار» چیست؟

منظور از بیت «کم گوی و گزیده گوی چون دُر تاز اندک تو جهان شود پر» چیست؟

منظور از «هفت خان گذشتن» چیست؟

در پایان هر جمله علامت مناسب بگذارید. (. ? !)

به به، عجب هوای خوبی

چرا کتابهایت را نمی خوانی

باد بهاری وزید

در جمله های زیر نهاد و فعل را مشخص کنید.

علی کتاب را از روی میز برداشت و به سر ابوالفصل کوبد.

پروانه روی گل های زیبای شقايق نشست.

مشخص کنید هر یک از کلمات زیر از چند هجا تشکیل شده است.

زنبور() ، کتابخانه() ، دلداری() ، رفت()

مشخص کنید هر یک از کلمات زیر از چند هجا تشکیل شده است.

جزوه سیمی

مبالغه:

کدام یک از عبارات زیر منادا نمی باشد؟

جاودان باشی و سرافراز.

عطیر گلها

یا رب!

ای وطن!

هر کدام از علایم نگارشی زیر چه کاربردی دارند برای هر کدام یک مثال بزنید.

درنگ نما():

علامت سوال(?) :

دو نقطه(:) :

۱۲

برای هر کدام از کلمات زیر سه هم خانواده بنویسید.

علوم:

حافظ:

۱۳

مفرد یا جمع بودن کلمات زیر را مشخص کنید.

گله:

معلمان:

گلدان:

کتابها:

دانش آموز:

ستارگان:

« با خط زیبا و خوانا بنویسید.

لِسْخُن

۱۴

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

جزوه سیتی

۱- بندافت: اندافت

تعیی: بلند مرتبه

فعل: فرجه

چاکچاک: پاره پاره

صواب: سایه

مشلوه: مخلفت

دیبع: بار

خم کنند: گره و پیچ طناب

ملک: پادشاه

هلاک: نابودی

بلبل و قمری که هست، یاد خدماتی کند

هر گل و هر گلی که در دنی هست خداوند را باری کند و از او سپاس نزاری ملک نزدیکی نسبت دهد

خر گلی و هر گلی که در دنی هست خداوند را باری کند و از او سپاس نزاری ملک نزدیکی نسبت دهد و همچنان خداوند کار خارا

بزد شیخ و بندافت از بر، سرس

(ستم با همیسر سرس) را از تنهی جدا کرد و خون حاشه رو داز از دعا باری سد.

آفریدن کار را باید بروستین و بر نعیت او سپاس داری باید کرد.

آفریدن کار را باید بپرسی و از نعیت هایی که به هادا داده است سپاس نزاری لرد.

۲- یعنی هر چیز در دنی ای که بزرگ سیز در قدر چه فتری است بزرگی سپاهش خداوند

۳- یعنی هر چیز در دنی ای که بزرگ سیز در قدر بزرگی سپاهش خداوند

۴- منتظر ای است که بر حرف بزن اهاگن زیده و درست در بزن نامائند هر وارد نهاده بول طیاب است

ارزشمند است و عیده دسال آن هستند هم به دسال تو باشند.

۵- یعنی مرادی دستواری را بیست سرگذشت و بیوقوفیت رسیدن.

۶- بادهای وزیده در المبارهای رانی تو ای! ببه، عجب هوای نوی!

۷- علی نتاب را از روی میز برداشت و بسراب افقی کوید.

فعال

دوستانه روی گل های زیبای شفافیت نهشت.

فعال

۸- زیور: ۲ بقیه کتابخانه: ۴ بقیه دلاری: ۳ بقیه رفت: ۱ بقیه

۹- کنایه: وقتی درباره قطعی پیش از ملاقاتی عجیبی کنیم با آن کنایی کویند که دوره دوستی دارد و نزدیک دارد و تقصیود کویند معنای دوران است. مثال:

مُثَلٌ: اب درها دون کوبیدن — یعنی هادیمه اینها داخل

معالغه: کاه شامان و نویسندگان برخلاف تائیر بسته به محل آن را بزرگ تراز آنچه هست شامانی معنی دارد.

گونه بزرگ نمای معالغه کویند. مثال: زمین زمین سدهم پاک چاک

۱۰- عطر گلها، تا ودان باشی و سرافراز

۱۱- درنگ نهای فضلهای است که برای نکت کوتاه‌سازی بهمراه عبارت‌ها و برای بدالردن کلمه‌ها استفاده می‌شود. مثال: در استان‌های اهل ایرانی آری، دلار و بی بود.

علاقت سوال (؟): در پایان تبله‌های پرسشی و با برای نکل دادن شک و تردیدی دارد.

مثال: آیا تو در آزادی سیزده سال شرکتی لینی؟

وتفعل (ه): بهای تو منیخ دادن، فعل قول و معنی لذت لذت یکاری و دادن.

فادرم پرسیده: امروز در مردم کاری انجام دادیم.

۱۲- معلوم: علم، علوم، معلم حافظ: حفظ، محفوظ، حفاظ

۱۳- ستارگان: بجمع داشت آغاز: فرد کتابها: بجمع کتابان: فرد

معلمان: بجمع کله: بجمع

۱۴- با اینگه سفن به لطف آب است کنم کنن هر سفن، صواب است

آب از دریا پر ملال فیزد

کنم کنی و لزیده کنی چون در

لافاذه سفن پود که بپتوان زد

یک دسته ملی دفعان پور